



مسابقه حفظ قرآن به زبان فارسی برای «صاحب‌دلان»

بعداز صاحب‌دلان تقسیم کرد.

۳. در یکی از قسمت‌های سریال **صاحب‌دلان**، شاهین (بخوانید قایل) به خاطر حسادت، با حیل، برادرش رامین (بخوانید هابیل) را به قربانگاه می‌کشد و او را ناکار می‌کند. سنگی که برای فرود آمدن به سر رامین بالا رفته است، با صدای قارقار کلاغ‌ها همراه می‌شود و کات. بخشی از این قصه قرآنی به صراحت روایت می‌شود و بخشی از آن که آموزش دفن مقتول توسط کلاغان به قایل است فقط با صدا، و چقدر زیبا بود برای من پایان این سکانس. یکی دو قسمت قبل از این ماجرا وقتی که سید خلیل (حسین محبوب) به طور تصادفی قرآن معروفش را باز می‌کند، آیه‌های مربوط به قصه هابیل و قایل می‌آید تا پیشاپیش خبر از بروز فاجعه را بدهد. این سریال پر است از ارجاعات مفهومی و داستانی به قرآن مجید، آن هم در دل درامی جذاب، گفت‌وگوهایی که گویی کشمکش‌هایی پایان‌ناپذیر را یدک می‌کشند، شخصیت‌هایی متفاوت با ویژگی‌های کاملاً متمایزکننده و موقعیت‌های پیچیده داستانی و معنایی.

صاحب‌دلان تحقق آرزوهایی بود که من فقط حرفش را می‌زدم. شاید هم کار دیگری از من بر نمی‌آمد. می‌دانم که بعدها منتقدان - حتی از نوع فیلم‌نگاری آن - نیز از خیر آنالیز آن نخواهند گذشت، اما از همین حالا معلوم است که برخی از نقدها ناشی از انس کم ما و اغلب مخاطبان با مفاهیم و قصه‌های قرآنی خواهد بود. برای همین است که من با خاطره دکلمه نهج البلاغه به زبان فارسی شروع کردم. اگر ترجمه روان و درستی از قرآن در بین ما رایج شود و حتی برایش مسابقه حفظ قرآن به زبان فارسی هم گذاشته شود، فکر نمی‌کنید که زمینه‌های انس همه مردم با قرآن بیشتر فراهم می‌شود؟ می‌دانم که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند تام و تمام مفاهیم قرآنی را منتقل کند و آموختن زبان عربی و علوم دیگری برای ترجمه و تفسیر قرآن از ضروریات است؛ اما رواج ترجمه‌ای روان در بین مردم فهم آن را لااقل در سطح عمومی آسان‌تر خواهد کرد. در شماره‌های بعدی به صورت ویژه به **صاحب‌دلان** خواهیم پرداخت. حتی اگر امکانش فراهم شود شاید، البته شاید، کل فیلمنامه‌اش را هم به چاپ برسانیم. تا خداوند چه خواهد. به نظر من متن **صاحب‌دلان** تا مدت‌ها باید به متن درسی تمام دانشکده‌های سینمایی و مؤسسات آموزش فیلمنامه‌نویسی تبدیل شود. از خداوند برای تلاش سازندگان این سریال به ویژه فیلمنامه‌نویس آن علیرضا طالب‌زاده عزیز آرزوی پاداش عظیم الهی دارم.

سر دبیر

۱. خداوند رحمت کند مرحوم حسن صرغامی را که برادرش بعدها رئیس سازمان صدا و سیما شد. گفت‌وگوهای قرآنی سریال **صاحب‌دلان** مرا به یاد او انداخت.
- چهره‌ای داشت که گویی لبخند بر روی آن حک شده بود و هنوز با همان لبخند در تابلوی خاطرات من حضور دارد. اما شیرینی این چهره در نوجوانی من با نهج البلاغه گره خورده است. محله رباط کریم و شخصیت‌هایش یادتان هست؟ در میان هیاهوی فوتبال، بازی‌های خشن، آغاز حضور مواد مخدر پس از جولان مشروبات الکلی و هیئت‌های هفتگی. کسی بود که برای ما نهج البلاغه جواد فاضل را دکلمه می‌کرد. چقدر دلچسب بود هنگامی که مرحوم حسن صرغامی با هیجان و حرکات خاصی که به دست‌هایش می‌داد و خطوط سروری که در اطراف چشم‌هایش آشکار می‌شد، ترجمه نهج البلاغه را از حفظ می‌خواند و محبت نهج البلاغه و عظمت صاحبش را در دل‌های ما می‌ریخت. هر چند ترجمه جواد فاضل ترجمه معتبری نبود و بیشتر به یک قلم‌فرسایی ادبی شبیه بود، اما دکلمه آن با حس و حال همراهش برای نوجوانی ما آن هم در سال‌های ۴۹-۵۰ تجربه نابی بود که هنوز لذتش در ذائقه من مانده است. شاید به همین خاطر است که من اغلب ترجمه‌های معاصر نهج البلاغه را دارم؛ حتی ترجمه‌ای را که من فارسی‌اش را نمی‌فهمم زیرا این ترجمه، خدمت به زبان فارسی دری هست ولی به نهج البلاغه نه!
۲. در گفت‌وگویی با اشکان راد که با قلمش آشنایید و وسعت اطلاعاتش را می‌دانید، این سؤال را مطرح کردم که چرا در سینمای غرب به ویژه هالیوود ارجاعات به متون مقدس به وفور مشاهده می‌شود و کسی که انجیل و تورات را نخوانده باشد، بسیاری از اشارات و حتی گفت‌وگوها را متوجه نمی‌شود. خلاصه جواب او این بود که پس از ترجمه متون مقدس در غرب که با لوتر آغاز شد، ارتباط مردم با انجیل و تورات آسان‌تر شد. و البته حرف‌های بسیار دیگری که از آنها می‌گذرم، اما همه این گفت‌وگوها - که ممکن است به طراحی صفحات جدیدی در فیلم‌نگار منجر شود - با این آرزو دنبال می‌شود که کاش روزی برسد که ارجاعات قرآنی اعم از مفاهیم و قصه‌ها در فیلم‌های ما به آسانی امکان‌پذیر شود و درک لایه‌های معنوی فیلمنامه‌ها برای مخاطبان به لذت مضاعف انس با قرآن منجر شود. این آرزو به نظر می‌رسد به سادگی محقق نشود، اما با سریال **صاحب‌دلان** نه یک نقطه عطف بلکه یک خط فاصله پررنگ و جذاب کشیده شد که می‌توان از این به بعد سینمای دینی را به قبل و